

علیه بیکاری - ضمیمه ۳

مهرماه ۵۹

جنگ ایران و عراق و مبارزه علیه بیکاری

این روزها همه جا صحبت از جنگ است. جنگ با ارتش مزدور عراق. جنگی که همه مسائل را تحتالشعاع خود قرار داده است. حملات گسترده رژیم عراق، هستی مردم جان بلب رسیده خوزستان، دهلران، ایلام، کرمانشاهان، کردستان، آذربایجان و حتی شهرهای مرکزی ایران را در خطری جدی قرار داده است. ارتش مزدور عراق بیشمارانه شهرها، دهات و قسبات را با توپ و خمپاره و راکت درهم میکوبد. در بعضی شهرها حتی بیمارستانهای انباشته از زخمیان و مصدومان نیز هدف بمباران قرار میگیرند. مردم در شهرهایی که در محاصره اند دلیرانه مقاومت میکنند و بسیاری از مردم غیرنقاط دیگر ایران کار و زندگی خود را رها کرده اند و بمقابله با مهاجمان عراقی شتافته اند. از بام تا شام هرچه در روزنامهها میخوانیم و آنچه از رادیو میشنویم همه در باره جنگ است و تهنیت مردم به پیوستن به نیروهای مسلح دولتی. در کارخانهها مساله، مساله جنگ است و اعزام کارگران داوطلب و احضار شده. . . . گوئی همه چیز جنگ شده است و بس. ظاهرها هیچکس حوصله شنیدن هیچ حرفی را ندارد مگر در باره جنگ.

در چنین شرایطی گهگاه میشنویم که میگویند: " شما باید مبارزه علیه بیکاری را تعطیل کنید و به سراغ جبهه جنگ بروید و علیه عراق مبارزه کنید، چرا که دیگر بیکاری مساله بی اهمیتی شده است، بی اهمیت تر از گذشته. . . !"

آیا این منطق صحیح است؟ آیا ما باید به این توصیه عمل کنیم؟ آیا جبهه نبرد همان و فقط همان است که دشمن میخواهد ما را به آنجا بکشاند؟

خیر، ایستاد! رها کردن جل هر یک از مسائل مردم کارگران، به بهانه جنگ، یعنی فقط تساهل و نوازش خود را دیدن. یعنی حرکت از امروز به فردا، و غافل شدن از آنچه فردا پیش خواهد آمد. یعنی حرکت دنباله روانه از توده های خشمگینی که دلارانه در جنگ شرکت میکنند، اما کمتر به عواقب آن و اهداف دراز مدت خود میاندیشند. یعنی تسلیم شدن و افتادن به دام آن دستگاه های تبلیغاتی که اکنون پس از دو سال نقاب از چهره شان افتاده است.

منظور ما، نه تنها جنگ نمالیت ما را منتفی نمیسازد بلکه برعکس، به آن اهمیتی دوچندان میدهند. جنگ بدو جهت بر اهمیت مبارزه ما برای تشکیل "اتحاد کارگری علیه بیکاری"، یعنی آن سازمانی که بسا آنکا، بقدرت کارگران در جهت حل مساله معیشت کارگران بیکار و خانواده های آنان قدم بردارد، میانزاید. اولاً، بدلیل انزایش بیکاری توسط جنگ و تازیا بعثت حساس شدن مبارزه طبقاتی توسط جنگ و اهمیت یافتن هر چه بیشتر رفع نقاط ضعف در صفوف کارگران.

جنگ بر ابعاد بیکاری و فقر و ناکت کارگران و زحمتکشان خواهد افزود.

بمباران تاسیسات نفتی از هم اکنون خطر تعطیلی و بسته شدن بسیاری از کارخانهها، کارگاه ها، مراکز تولیدی را ایجاد کرده است. و از همین حالا کارگران بعب بنزین ها، کارگران تعمیرگاه های اتومبیل و کارخانه های نفت سوز و . . . بتدریج به صف بیکاران میپیوندند.

از سوی دیگر، قدرت خرید کارگران شاغل که اکنون هزینه زندگی بیکاران را تأمین میکنند، به سرعت کاهش خواهد یافت. دولت از همین حالا "سیسج اقتصادی" را تدارک مینماید. معنی این سیسج برای کارگران چیزی جز استعمار بیشتر، مزد کمتر، حذف اضافات و برقراری کسور بیشتر و تخصیص اجباری چند روز از حقوق ماهانه برای جنگ و بطور خلاصه تحمل شرایط سخت تر از گذشته نمیتواند باشد.

با احتکاز اوراق عمومی و گرانس سرسام آیر ، بازار سیاه و جیره بندی آنچنانی ، آخرین منابع تأمین زندگی کارگران بیگار هم از دست خواهد رفت و این بار هر خواست و مبارزه ای با شدت بیشتری تحریم و سرکوب خواهد شد . بزودی ، به غیر از برجسب " ضد انقلابی " بر چشپ های " اجنبی پرست " و " عامل بیگانه " هم بر پیشانی کارگران مبارز و حق طلبی که از حق حیات خود دفاع میکنند ، خواهد چسبید . برزوازی این بار دست بازتری برای پوشاندن چهره کریه " سرمایه داری " از طریق نسبت دادن تمامی سختی ها و قحطی ها و مشقت ها ، به جنگ خواهد داشت .

بحران اقتصادی و تمامی عوارض آن با درگرتن جنگ تشدید خواهد شد و از پیش عبانست که باز هم کمائی - السابق این مائیم که باید تاوان اوضاع نلاکتبار فعلی را بدهیم ، نه محتکران ، نه سرمایه داران ، نه ماحیان خانه ها ، نه حاجیان بازار ،

بهبین خاطر ما تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیگاری " را بیش از هر زمان دیگر لازم و ضروری میدانیم و خود مصمم تر از همیشه بظنطور بسیج کارگران در این راه خواهیم کوشید .

اما جنگ چه وضعیت جدیدی را پیش روی کارگران میگذارد و تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیگاری " چه ربطی میتواند به مسائل جدید کارگران در قبال جنگ داشته باشد ؟
برای پاسخ به این سؤال لازم است کمی به جنگ و اهداف کارگران و زحمتکشان و نیروهای درگیر در جنگ اشاره کنیم .

تجاوز آشکار عراق به ایران واقعیت انکار ناپذیری است و کارگران و زحمتکشان چه بخواهند و چه نخواهند با ایشان به این جنگ کشیده شده و جستگ گاملا به آنها مربوط است . لکن آنها باید با چشم باز بمیدان کارزار وارد شوند و اهداف دشمن و مقاصد خود را از جنگ به درستی تشخیص دهند . اگر جز این باشند ، کارگران و زحمتکشان در این جنگ فقط نفس قربانیان را بازی خواهند کرد .

رژیم عراق از جنگ با ایران چه میخواهد ؟ آیا قصد تصرف اراضی ایران را دارد ؟
همه ما میدانیم که اینچنین نیست . ادعای ارضی برای رژیم عراق بهانه ای بیش نیست . همه شواهد از دو سال پیش تا کون نشان میدهند که رژیم ارتجاعی عراق به رهبری صدام حسین قصد تبدیل شدن به ژاندارم منطقه و تثبیت حاکمیت مترازل شده امپریالیسم بر منطقه را دارد . که این نیز جز از طریق تلاش در جهیست سرکوب انقلاب در ایران مقدور نیست . آنچه مسلم است اینست که هدف سرکوب انقلاب در ایران ، در تصمیم ها و سیاست های رژیم بعث اهمیت تعیین کننده ای دارد .

دولت عراق مزدوران جلادی چون پالیزیان و اویسی و فراریان ساواکی را پناه داده است و تقویت میکند . دولت عراق سنگ خاکنان رسوائی چون بختیار را بسینه میزند . رژیم صدام در استقرار حکومتی از نمایندگان مستقیم بورژوازی انحصاری و امپریالیسم در ایران ذینفع است و در واقع میتوان گفت که سیاست رژیم منصور عراق حلقه ای از سیاست های امپریالیسم برای سرکوب انقلاب ایران است .

از سوی دیگر پیش این واقعیت که تجاوز رژیم عراق به ایران حلقه ای از سیاست های امپریالیسم بسرای سرکوب انقلاب در ایران است ، نباید طرا به این نتیجه برساند که هر نیرویی در مقابل ارتش عراق ایستادگی کند خود مدافع انقلاب است .

روزگاری تاسیسات نفتی در ایران تهول دکتراقبال بود ، اگر دوران او هم سر نیامده بود ، عده ای را اجیر میکرد تا حملات به تاسیسات نفتی را دفع کنند . کارخانه هایی که بهاران میشوند ، اراضی ای که اشغال می- شوند ، تاسیساتی که مورد هجوم قرار گرفته اند ، همه جز دارایی های سرمایه داران و ملاکین و دولت آنهاست لاجرم آنها قوای خود را برای دفاع از منافع و حفظ حق حاکمیت سیاسی خود بسیج خواهند کرد . البته آنها با عراق میجنگد اما برای حفظ منافع خودشان . لکن چون خودشان در کاغذ ها بر انباری از آذوقه احتکاز شده نشستند و جرات نفس کشیدن هم ندارند و از طرفی ارتش و قوای مسلح آنها بر اثر انقلاب تونده خلق ایران ضریب مهلکی خورده است ، در بوق و شنبور نریاد " وا مپهسا " سر میدهند تا باز کارگران و زحمتکشان ایران رزمندگان بالفطره را ، در دفاع از منافعشان به میدان بکشند و سپاهی لشکر ارتش مزدورشان و گوشت دم توب ارتش عراق را تأمین کنند .

جالب است که آنها کارگران سرپاژی رفته را برای هدایت تانک هائی احضار میکنند که سال پیش دروازه کارخانه داروبخش را بر کارگزارانش بسته بود ! و بکک همان پاسداری فرا میخوانند که تا دیروز و هیسر روز نمایندگان مبارز کارگران را دستگیر و زندانی میکردند ! دهقانانی را بیاری فرامیخوانند که سال گذشته آنها را در شهر شوراهایشان ، گند ، به خون کشیدند ، نرزند ایشان را وحشیانه تیرباران و عزیزترین نما - بندگان شوراهایشان را جلادانه ترور کردند !

کسارگسران هشیارباشید!

ما باید حتی با جنگ و دندان از نیروها و دستاوردهای انقلابیان در مقابل ارتش مزدور و مهاجم عراق و هر تجاوز بیگانه‌ای دفاع کنیم ، اما نه به این خاطر که آنچه را که از دشمن خارجی باز پس می‌ستانیم دوستی به دشمن داخلی تسلیم کنیم و باز هم برای آزادی خود ، برای دفاع از حق زنده ماندن خود ، برای تعیین ساعات کار ، سیدویژه ، آزادی نمایندگان ، و الخ دست بدامان آنها شویم (

خسر مشهر ، شهر سرخسی که از گنارهای تیسار در یادار دگرمندی ، استنادار

انتخابی اسبق خوزستان خان سالم بدر برده بود ، آبادان شهر دلاوران صنعت نفت این پیشقراولان کارگران قهرمان ایران ، شهر بازمندگان داندادار سینما رکن ، شهر مقاومت در مقابل اختناق و ارتجاعی که "غرضی" این خائن بدنام و رسوا سردار آنتست ، و شهرهای دیگر استانهای مرزی ایران که هر یک به سنگری مستحکم در مقابل ضد انقلاب تبدیل شده بودند ، اکنون به آتش کشیده شده اند . ما باید با جان دل بیاری کارگران و زحمتکشان آنها بشتابیم ، ما باید در مقابل ارتش مزدور عراق بجنگیم و می جنگیم! اما با لباس زنده خود ، با سلاح های خود ، در سازمان نظامی خود ، و در جهت تحقق اهداف انقلابی خود! ما لباس ارتشی که پرسنل آنرا با بجرم امتناع از بهاران کردستان انقلابی تیرباران میکند ، به تن نمیکنیم . ما تن به اطاعت از تیساران آریامهری و فرمانداران سابق حکومت های نظامی شاه نمیدهیم . ما با قاتلان اهالی قلاتان با جلادان توماج ها و نواد سلطانی ها ، تنی شهرام ها و ناصر توفیقیان ها ، با عاملان کشتار شریفترین فرزندان خلق در دانشگاهها در یک صف قرار نمیگیریم . ما در صف مستقل خود به همراه همه زحمتکشان و از جمله کارگران و زحمتکشان عراق ، و با تئاتر همه نیروهایی که وطن را از آن کارگران و زحمتکشانش میدانند ، بسرای پیروزی استقلال ، علیه ارتش عراق ، و همه دشمنان انقلاب خواهیم جنگید .

اگر ما کارگران اصلی ترین نیروی انقلاب و هشیارترین و رزمندهترین مدافعان هستیم اگر عزم جزم کرده ایم که انقلاب سرخمان را به پیروزی نهائی برسانیم ، لازم است که در جهت هدفمان ، با اتکا به نیروی خود ، در صف مستقل خود ، بر علیه همه دشمنان انقلاب و در همه عرصه ها مبارزه کنیم . امروز با شروع تجاوز رژیم ارتجاعی عراق ، نیروی جدیدی برای مقابله با ما از راه رسیده است . اما ما هرگز شایه‌ای از حضور فعال بقیه دشمنانمان غافل نخواهیم شد . امروز نیروهای ضد انقلاب نیز بشدت با هم گلاویز شده اند و همه آنها ما را به حمایت از خود فرا می - خوانند ، اما ما لحظه‌ای در مورد ماهیت آنها ضرورت حین صف مستقل خود و مبارزه با همه آنها ، تردید نخواهیم کرد .

امروز ضرورت درگیری در شکل جدیدی از مبارزه ، یعنی مبارزه نظامی ، برای همه ما محرز شده است لکن ما کوچکترین فتنی از پیشبرد مبارزه‌مان در همه اشکال مختلف نخواهیم کرد . امروز بعضی از سنگرهای ما مورد تهاجم ضد انقلاب قرار گرفته است اما ما هرگز سنگرهای دیگر را به این بهانه خالی نخواهیم کرد

کسارگسران بسپسوتن بساشید!

سرمایه‌داران و دولتشان خود از تاسیسات نفتی خود ، از کارخانه‌های خود ، از پادگانهای ارتش خود از حق انحصاری استثمار بردگان خود ، از حق حاکمیت سیاسی خود دفاع خواهند کرد . آنچه ما بسایند از آن دفاع کنیم انقلاب است . ما باید از انقلابان ، از دستاوردهایش و از نیروها و پرچمدارانیش دفاع کنیم . اجازه ندهید دشمنان انقلاب از نیروی انقلابی شما در جهت اهداف ضدانقلابیشان استفاده کنند .

این درست است که تهاجم به ایران را عراق آغاز کرده ، اما تجاوز به انقلاب و دستاوردهایش را چه کسی به عهده گرفته است ؟ انقلاب ما بیشترین مدمات را از دولت جمهوری اسلامی ایران میخورد . ضد انقلاب حاکم ، به بهانه جنگ با عراق بسیاری از دستاوردهای انقلابیان را باز پس گرفته و مابقی را مورد تهدید حادی قرار داده است .

دولت جنگ تبلیغاتی بسیعی را علیه نیروهای انقلابی بر اه انداخته است . دست نیروهای سرکوبگر پیش از هریزماں دیگر درضی این دوسال بار شده است . آنها در بلندگوهای خود بر یاد میزنند : "مسمازه شتاتی تدلیل ! چون در حال جنگ ما عراقیم !

آزادی اجتماعات را بشماره قدس کردند . آزادی بیان با نام تابعه براکی بجمایند ، اعتصاب

و تحسن و اعتراض موقوف شد . از فروش و توزیع کتاب و اعلامیه و روزنامه کارگرن با قدرت تمام جلوگیری میکنند . حتی خراستن ارزاق عمومی عطف شد انقلابی خوانده شد ! مبارزات کارگران را برای حقوق و خواسته‌هایش یکباره تعطیل کردند . همه را به جاسوسی و خبر جینی از یکدیگر تحریک میکنند . همه را به یکدیگر بدبین میکنند . مردم را به سرکوبی کردستان انقلابی تحت نام مبارزه با عراق میفرستند . قتیبه تعطیل دانشگاه‌ها و اخراج دانشجویان و استادان مبارز را لوث کردند . مدارس را به راحتی در ایلام

کردستان و لرستان و تعطیل کردند . ارتش آریامهری را باز هم تظہیر کردند ، ضد انقلابیون را مجدداً به سرکارها دعوت نمودند

و طولی نخواهد کشید که در کارخانه‌ها انقلابیون را با نام "خیانتکار" بازداشت و دستگیر میکنند ، کارخانه‌ها را از افراد صلح ارتش و پاسدار و شهرستانی بر میکنند تا کارگران "کم کاری" را که زیر بار فشار کار بیشتر نمرودند ادب کنند ، بساط شوراها را کارگری و همه دستاوردهای انقلابی کارگران را در کارخانه تعطیل میکنند و افزایش تولید و فشار کار و استثمار را بعلمت وجود شرایط جنگی بزیور سرنیزه به کارگران تحمیل مینمایند . هر کارخانه‌ای را که خواستند تعطیل میکنند و کارگانش را بیرون میریزند ، هرکس را که کار خواست به بسج و سپاه و ارتش گسیل میکنند و هرکس را که اعتراض کرد ، خائن میخوانند و فساد فی الارض میکنند و بالاخره عملاً حکومت نظامی برقرار میکنند

پس ما درگیر جنگیم اما نه فقط جنگ با عراق ، نه فقط در خوزستان و کرمانشاه ، نه فقط با تانک و تسوپ و میگ عراقی . . . ما در نواح از انقلاب ، در همه جبهه‌های مبارزه طبقاتی و با همه دشمنان طبقاتیمان بخصوص با رژیم حاکم که به بهانه جنگ با عراق یورش گسترده‌ای را به انقلاب آغاز کرده است در حال جنگیم در آینده پیروزی حریک از دولتین عراق ^{ایران} در جنگ ، ما را با نیروی منسجم تر و دشمنی قوی تر مقابل خواهد کرد ما هم باید در فکر افزایش قوای خود باشیم چرا که چه در طول جنگ و چه پس از آن ، ما به پیروزیمان در مبارزه طبقاتی و پیروزی انقلاب سرخ کارگران میاندیشیم .

ما تشکیل " اتحاد کارگری علیه بیگاری " را بعنوان سازمانی که حل معیشت کارگران بیگارا در دستور کار خود قرار دهد دقیقاً در جهت افزایش توان مبارزاتی کارگران ، این پیگیرترین مدافعان انقلاب میدانیم ، و با پیش آمدن مساله جنگ و یورش قریب الوقوع و گسترده ضد انقلاب به انقلاب تشکیل آنرا برای کارگران حیاتی ارزیابی میکنیم بنظر ما تخطئه کردن مبارزه برای ایجاد چنین سازمانی به بهانه جنگ ، تخطئه کردن مبارزه طبقاتی کارگران به بهانه جنگ ، همصدا شدن با رژیم و خیانت به کارگران است .

پیش بسوی تشکیل اتحاد کارگری علیه بیگاری !

هرتوان و پیروز باد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان !

* * * * *

علیه بیگاری را

بخوانید و در

تکثیر و پخش آن

ما را یاری

دهید !

در شرایط کنونی عملاً بخش علنی مطبوعات کارگری غیر ممکن شده است . با فعالیت و تحریک بیشتر خود این تقیصه را جبران کنید .

نشریات کارگری را به هر صورتی که میتوانید بدست رفقای کارگر خود برسانید .

در حال حاضر انجام این وظیفه اهمیت حیاتی دارد .